

مرکز گزینش آستان قدس رضوی

جزوه آموزشی احکام

سلسله جزوات آموزشی
مرکز گزینش آستان قدس رضوی
واحد آموزش و پژوهش

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار
۲.....	مقدمه
۳.....	تعاریف اولیه احکام
۴.....	شرایط مرجع تقلید
۴.....	راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط
۵.....	مقدمات نماز
۵.....	وضو
۵.....	الف) معنای وضو
۵.....	ب) کیفیت وضو
۷.....	ج) شرایط وضو
۸.....	احکام متفرقه وضو
۱۰.....	احکام وضوی جیره ای
۱۰.....	مبطلات وضو
۱۰.....	غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت)
۱۱.....	غسل
۱۱.....	اقسام غسل
۱۲.....	کیفیت غسل
۱۲.....	شرایط غسل
۱۴.....	تیمم
۱۴.....	الف) مواردی که باید به جای وضو و غسل تیمم کرد
۱۵.....	ب) چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است
۱۵.....	ج) کیفیت تیمم
۱۶.....	د) تیمم جیره ای
۱۶.....	ه) شرایط تیمم
۱۸.....	نماز
۱۸.....	اقسام نمازها
۱۹.....	شرایط مکان نمازگزار
۲۰.....	چگونگی شرکت در نماز جماعت
۲۱.....	مبطلات نماز
۲۱.....	روزه
۲۲.....	مختصری از احکام روزه
۲۳.....	برخی از محرمات (کارهای حرام)

پیشگفتار

شکل گیری یک نظام اداری پویا و کارآمد ، مستلزم وجود تشکیلاتی منسجم و قوانین ، ضوابط و آئین نامه‌هایی الزام آور از یکسو و حضور نیروی انسانی متعهد و متخصص از سوی دیگر است.

در این بین ، منابع انسانی با ارزش ترین و مهم ترین عامل در دستیابی به اهداف سازمان محسوب می‌شود چرا که نیروی انسانی به مثابه سرمایه‌ای ارزشمند ، اصلی ترین منبع راهبردی هر سازمان به شمار می‌رود.

آستان قدس رضوی نیز با تأکید بر جذب نیروی متعهد و متخصص ، توانمند ، خلاق ، سخت کوش و دارای روحیه همکاری و تعاون ، نسبت به گزینش و جذب داوطلبین در حوزه‌های مختلف به صورت افتخاری و یا حق الزحمه‌ای اقدام نموده است. هدف گزینش تلاش برای جذب شایسته‌ترین افراد برای نیل به اهداف سازمان است.

این موضوع به قدری دارای اهمیت بوده است که حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی در ۱۵ دیماه سال ۱۳۶۱ در فرمان تاریخی خود، روحی تازه در کالبد گزینش کشور دمیدند و پایه‌گذار این ساختار انقلابی و مقدس شدند.

مقام معظم رهبری(حفظه ...) نیز در توصیه‌های امام گونه خود همواره گزینش را یک فوز عظیم دانسته و به انتخاب عناصر باتقوی ، متعهد و با اخلاص تأکید نموده‌اند.

با توجه به تأکیدات انجام شده جهت بهبود فرآیند گزینش ، مرکز گزینش آستان قدس رضوی ضمن بهره گیری از جزوات و دستورالعمل های هیأت عالی گزینش نسبت به جمع‌آوری و تدوین جزواتی اقدام نموده تا ضمن حفظ سادگی و روان بودن مفاهیم و مضامین ، به بخشی از نیازهای داوطلبین در جهت کسب اطلاعاتی هرچند پایه و مقدماتی در زمینه‌های اعتقادی ، اخلاق ، احکام و ... پاسخ داده شود ولی تأکید می شود مطالب این جزوه به تنهایی کفایت نمی کند امید است داوطلبان با مطالعه ی این جزوه و مراجعه به منابع معتبر دیگر به احکام مورد لزوم دست یابند و مورد استفاده قرار دهند.

مرکز گزینش آستان قدس رضوی

ویرایش شده بهار ۱۴۰۱

مقدمه

فراگیری احکام از نظر قرآن و سنت و از دیدگاه علما و مراجع دارای ضرورت و اهمیت خاصی است. از دیدگاه مراجع و علمای اسلام، مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد.

فرمودند رسول... (ص): «اف باد بر هر مسلمانی که در هفته یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن قرار ندهد.»

امام صادق (ع) فرمود: «کسی که بدون آگاهی وظایفش را انجام دهد، مانند کسی است که از بیراهه می رود و هر چه تندتر رود از مقصدش دورتر می-شود.»

آنچه در این جزوه آمده اشاره-هایی اجمالی به احکام می باشد و ضروریست داوطلبان محترم نسبت به مطالعه مسائل مبتلا به، از رساله عملیه و کتب دیگری که تعدادی از آنها در پایان جزوه معرفی شده است بهره-مند گردند.

راههای شناخت احکام :

مكلف برای شناخت احکام دین و عمل به آنها سه راه دارد:

۱- اجتهاد

۲- احتیاط

۳- تقلید

۱- اجتهاد :

اجتهاد یعنی استنباط و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابع معتبر که نزد فقهای اسلام مقرر و ثابت شده است.

۲- احتیاط :

احتیاط یعنی عمل کردن به طوری که مطمئن شود وظیفه ی شرعی خود را انجام داده است، مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می دانند و بعضی دیگر حرام نمی دانند به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می دانند و بعضی دیگر واجب نمی دانند، انجام دهد.

۳- تقلید :

تقلید یعنی در احکام دین به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

توجه :

عقل نیز حکم می کند که شخص ناآگاه به احکام دین باید به مجتهد جامع الشرائط مراجعه کند.

مكلف اگر در احکام دین مجتهد نیست باید از کسی که مجتهد است تقلید کند و یا به احتیاط رفتار نماید.

از آن جایی که عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مكلف در احکام دین از مجتهد جامع الشرائط تقلید کند.

شرایط مرجع تقلید : (ابتدائی، یعنی برای کسی که تازه میخواهد مرجع

انتخاب کند)

شرایط مرجع تقلید عبارتند از:

- ۱- مرد باشد.
- ۲- بالغ باشد.
- ۳- عاقل باشد.
- ۴- شیعه ی ۱۲ امامی باشد.
- ۵- حلال زاده باشد.
- ۶- زنده باشد.
- ۷- عادل باشد.
- ۸- مجتهد باشد.
- ۹- بنا بر احتیاط واجب اعلم باشد.

نکته:

پدران و مادران وظیفه دارند فرزندان تازه به سن تکلیف رسیده ی خود را که باید مرجع تقلیدی انتخاب کنند و به خاطر دشوار بودن درک مسأله ی تقلید نمی توانند به تنهایی وظیفه ی شرعی خود را در این باره تشخیص دهند، ارشاد و راهنمایی نمایند.

راههای شناخت مجتهد جامع الشرائط

از دو راه می توان مجتهد حائز شرایط را شناخت

- ۱- اطمینان، چه از راه شهرت فراگیر میان مردم و چه از راه تجربه ی شخصی و چه از راه دیگر.
- ۲- شهادت دو نفر عادل از اهل خبره، هر چند موجب اطمینان نشود.
راه های به دست آوردن فتوای مجتهد :
- ۱- شنیدن از خود مجتهد.
- ۲- شنیدن از دو یا یک نفر عادل.
- ۳- شنیدن از یک نفر مورد اطمینان.
- ۴- دیدن در رساله مجتهد در صورتی که رساله وی مصون از اشتباه باشد.

نکته :

اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسائل مربوط به اداره ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسائل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

مقدمات نماز :

وضو

الف) معنای وضو

وضو یعنی شستن صورت و دستها و مسح کردن جلو سر و روی پاها با شرایط و کیفیت خاص. این عمل که در شرع مقدس، وسیله ی طهارت معنوی شمرده شده، مقدمه ی برخی اعمال واجب و مستحب است، از قبیل نماز، طواف، تلاوت قرآن، ورود به مسجد و غیر اینها.

ب) کیفیت وضو

- شستن صورت از بالای پیشانی تا سر چانه.
 - شستن دستها از آرنج تا سر انگشتان.
 - مسح کردن جلوی سر.
 - مسح کردن روی پاها از سر انگشتان تا مفصل.
- سزاوار است که به بعضی مستحبات مهم وضو چون شستن دست ها قبل از وضو، مضمضه (آب را در دهان گرداندن) و مسواک و استنشاق انجام شود.

ترتیب وضو از این قرار است:

شستشوی صورت از بالای پیشانی یعنی جایی که موی سر روئیده است تا زیر چانه، سپس شستن دست راست از آرنج تا سر انگشتان، سپس شستن دست چپ از آرنج تا سر انگشتان، سپس کشیدن دست مرطوب بر روی قسمت جلویی سر، و در آخر کشیدن دست مرطوب بر روی هر دو پا از سر انگشتان پا تا مفصل ساق پا.

۱- شستن صورت و دستها :

- در شستشوی صورت باید به اندازه ای که ما بین انگشت وسط و شست قرار گیرد شسته شود.

- در صورت های پوشیده از مو، شستن روی موها کفایت می کند و لازم نیست آب وضو را به پوست صورت برساند، مگر در جایی که مو به قدری کم پشت است که پوست صورت کاملاً دیده می شود.

- صورت و دستها در وضو باید از بالا به پایین شسته شود، و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

دفعات شستن صورت و دستها :

بار اول: واجب.

بار دوم: جایز.

بار سوم و بیشتر: غیر مشروع(حرام).

توجه

ملاک برای تعیین هر بار، قصد انسان و دست کشیدن است) اگر به قصد شستن بار اول چند مرتبه آب بریزد اشکال ندارد).

۲- مسح سر و پاها :

- مسح بر پوست سر واجب نیست، بلکه بر موی قسمت جلوی سر کافی است، ولی اگر موی جاهای دیگر در قسمت جلو جمع شده باشد یا موی جلوی سر به قدری بلند باشد که بر روی صورت یا شانه ها ریخته شده است، مسح بر آن کافی نیست، و باید فرق سر را باز کرده پوست یا بن موها را مسح کند.

- محل مسح پا، عبارتست از روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق.

توجه

اگر مسح پا، از سر یکی از انگشتان پا شروع نشود، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان مسح شود، وضو باطل است.

- مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده، کشیده شود و (اگر رطوبتی باقی نمانده نمی تواند دست را با آب تر کند، بلکه باید دست را با رطوبتی که در ریش

یا ابرو هست مرطوب کند و مسح نماید)، و احتیاط (واجب) آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست ولی باید دقت کند که هنگام مسح سر دست به پیشانی نرسد.

- اگر شخص وضو گیرنده، هنگام شستن صورت و دستها به قصد وضو، اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه ای نمی زند، ولی اگر قبل از مسح سر، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دست با آب خارج از وضو، مخلوط شود درستی مسح محل اشکال می باشد.

از آن جایی که مسح پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود.

- در هنگام مسح دست باید حرکت کند و اگر دست را ثابت نگهدارد و سر یا پا را بر آن حرکت دهد، مسح باطل است.

- محل مسح باید خشک باشد یا به قدری تر نباشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند.

نکته :

بین زن و مرد در افعال و کیفیت وضو فرقی نیست، جز این که برای مردها مستحب است که هنگام شستن آرنج از قسمت بیرونی آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلی آن.

ج) شرایط وضو

شرایطی که به وضوگیرنده برمی گردد :

- با قصد قربت وضو بگیرد (نیت)

- استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

شرایطی که به آب وضو برمی گردد :

- آب وضو مطلق باشد.

- آب وضو پاک باشد.

- آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد)

شرایطی که به ظرف وضو برمی گردد:

- مباح باشد.

شرایطی که به اعضای وضو برمی گردد:

- پاک باشد.

- مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

شرایطی که به کیفیت وضو برمی گردد :

- ترتیب را در شستن و مسح کردن ها رعایت کند (ترتیب)

- کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد (موالات)

- کارهای وضو را خودش در حال اختیار انجام دهد (بدون مباشرت)

شرایطی که به زمان وضو برمی گردد:

- به مقدار وضو و نماز وقت باقی باشد.

احکام متفرقه وضو:

- وضو را باید با قصد قربت به جا آورد یعنی به این نیت که این عمل مخصوص را برای انجام فرمان خداوند انجام می دهد، پس اگر از روی تظاهر یا برای خنک شدن، همه ی کارهای وضو را انجام دهد، وضو باطل است.

- کسی که می ترسد اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد.

- هر یک از مشترکین ساختمانهای مسکونی و غیر مسکونی، از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می کند، نسبت به هزینه ی خدمات (از قبیل هزینه ی آب سرد و گرم، تهویه، نگهبان و مانند آن) مدیون است، و اگر از پرداخت پول آب امتناع کند وضویش باطل است.

- در اعضای وضو نباید مانعی از رسیدن آب باشد، در غیر این صورت وضو باطل است.

توجه

- چربی هایی که به طور طبیعی در مو و صورت به وجود می آید مانع محسوب نمی شود مگر آن که به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

- رنگ روی ناخن در صورتی که دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می شود و

وضو باطل است.

- رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر و ابروی خود استفاده می کنند، اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی نباشد که مانع از رسیدن آب به مو شود وضو صحیح است.

- جوهر در صورتی که دارای جرم بوده و مانع از رسیدن آب به پوست شود باعث بطلان وضو می شود و تشخیص این موضوع بر عهده ی مکلف می باشد.

- خالکوبی بدن اگر صرفاً رنگ باشد و یا در زیر پوست بوده و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن آب بر آن شود وجود نداشته باشد وضو صحیح است.

- صرف وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضا ظاهر می شود ضرری به وضو نمی رساند، مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن آب به بشره(ظاهر پوست) شود.

موالات :

- لازم است کارهای وضو را به طور متعارف پی در پی انجام دهد، بدین معنی که اگر میان آنها به قدری فاصله بیندازد که در هنگام شستن یا مسح کردن عضوی، جاهایی که پیش از آن شسته شده خشک شده باشد، وضو باطل است.

مباشرت :

- کسی که می خواهد وضو بگیرد باید همه ی کارهای وضو را خودش انجام دهد، (بدون مباشرت گرفتن) و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک کند، وضو باطل است.

توجه

کسی که به خاطر بیماری و امثال آن نمی تواند خودش وضو بگیرد باید از کسی بخواهد که به او در کارهای وضو کمک کند (نایب بگیرد). البته خود وضو گیرنده باید نیت وضو کند و در صورتی که بتواند، با دست خود عمل مسح را انجام دهد، و اگر نتواند، نایب دست او را گرفته و با آن مسح نماید.

وقت برای وضو و نماز کافی باشد :

- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که در صورت وضو گرفتن، نمی تواند همه ی نماز را در وقت بخواند و مقداری از آن در خارج وقت واقع خواهد شد، در این صورت نباید وضو

بگیرد، بلکه باید تیمم کند و نماز بخواند. البته اگر تیمم هم به همان اندازه ی وضو وقت می گیرد در این صورت باید وضو بگیرد.

معنای وضوی جبیره :

اگر روی زخم بسته است، باید جاهایی را که می شود شست بشوید و روی زخم بند (جبیره) به جای شستن، دست تر بکشد. به این وضو، «وضوی جبیره ای» می گویند.

احکام وضوی جبیره ای :

- ۱- اگر در اعضای وضو(صورت و دستها) زخم یا شکستگی است و روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید آن را بشوید، و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید و احتیاط(واجب) آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد.
- ۲- اگر محل مسح، زخم است و نمی تواند روی آن، دست تر بکشد، باید به جای وضو، تیمم کند، ولی در صورتی که می تواند پارچه ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط(واجب) آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.
- ۳- کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که دائماً از آن خون می آید، واجب است جبیره ای را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی آید، مثل نایلون.

مبطلات وضو

- ۱- خارج شدن ادرار.
- ۲- خارج شدن مدفوع.
- ۳- خارج شدن باد شکم.
- ۴- به خواب رفتن.
- ۵- چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی.
- ۶- استحاضه زنان.
- ۷- هر چیزی که موجب غسل میشود، مانند جنابت و خون حیض.(و مس میت)

کارهایی که باید برای آن وضو گرفت (غایات وضو)

الف: شرط صحت عمل یعنی اگر عمل بدون وضو، انجام شود صحیح نیست

۱- همه ی نمازهای واجب و مستحب (به جز نماز میت)

۲- اجزای فراموش شده ی نماز (سجده و تشهد)

۳- طواف واجب.

ب: شرط جواز عمل(حرام نبودن) یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است.

۱- مس خط قرآن.

۲- مس اسما و صفات مخصوص خداوند.

۳- مس اسمای انبیا و ائمه ی معصومین(ع) بنا به احتیاط(واجب).

ج: شرط کمال عمل، مانند وضو برای قرائت قرآن.

د: شرط تحقق عمل، مانند وضو برای با طهارت بودن.

ه: رفع کراهت عمل، مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو، کراهت آن برداشته می شود.

نکات قابل توجه در وضو :

- وضو گرفتن به نیت خواندن نماز اگر نزدیک داخل شدن به وقت نماز باشد(عرفاً) اشکال ندارد.

- وضو به قصد با طهارت بودن، از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است.

- مستحب است انسان در همه حال با وضو باشد مخصوصاً در هنگام ورود به مسجد و مشاهد مشرفه و تلاوت قرآن و هنگامی که می خواهد بخوابد و بعضی اوقات دیگر.

- بعد از آن که وضو به طور صحیح محقق شد، تا زمانی که باطل نشده است، انجام هر عمل مشروط به طهارت با آن جایز است، بنابر این لازم نیست برای هر نمازی وضوی جداگانه بگیرد.

- اگر شک کند که وضو گرفته یا خیر باید وضو بگیرد (شک در اصل عمل مساوی با این است که آن را انجا نداده است). ولی اگر شک کند که وضو یا غسلش باطل شده، بنا بگذارد که وضو دارد.

غسل

غسل یعنی شستشوی تمام بدن از سر تا پا با شرایط و کیفیت خاص.

اقسام غسل

۱-واجب

مشترک میان مردان و زنان:

- غسل پس از جنابت.

- غسل پس از مس میت.

- غسل میت.

- غسل در هنگامی که نذر و عهد کرده یا قسم خورده باشد که غسل کند.

مخصوص بانوان :

- غسل پس از پایان عادت ماهیانه (حیض)

- غسل پس از قطع شدن خون زایمان (نفاس)

- غسل در اثنای خونریزی های زنان (استحاضه)

۲- مستحب، مانند غسل جمعه و غسل زیارت.

کیفیت غسل

غسل را به دو گونه می شود انجام داد:

۱- ترتیبی: این که با ترتیب مخصوص بدن را بشوید، ابتدا سر و گردن، بعد بنابر احتیاط واجب تمام نیمه راست بدن و در آخر تمام نیمه چپ بدن را بشوید.

۲- ارتماسی: این که تمام بدن را یک باره در آب فرو ببرد به طوری که آب به همه جای بدن برسد.

توجه :

- در غسل، بنابر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آن لازم است، بنابراین بانوان بایستی- بنابر احتیاط واجب- علاوه بر رساندن آب به پوست سر، تمام موهای خود را نیز بشویند.
- رو به قبله ایستادن در وقت غسل واجب نیست.
- شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن، اشکال ندارد.

شرایط غسل

شرایطی که برای وضو گفته شد، مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است، ولی در غسل، شستشو از بالا به پایین و نیز پی در پی شستن اعضای بدن لازم نیست، بلکه می تواند در وسط غسل، مدتی به کار دیگر پردازد و سپس غسل را از همان محل که مانده است، ادامه دهد.

توجه :

در غسل، هر قسمتی را که می خواهد شستشو بدهد، اگر نجس است باید قبلاً آن را آب بکشد، ولی پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست، بنابراین اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد غسل صحیح است، ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است.

چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید بر طرف کند و اگر پیش از اطمینان به این که بر طرف شده غسل کند، غسل او باطل است.

احکام متفرقه غسل

۱- هرگاه در اثنای غسل، حدث اصغری از او سر بزند (مثلاً بول کند) به صحت غسل ضرر نمی رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند و باید آن را ادامه دهد، ولی بعضی از مراجع آن را باطل می دانند احتیاط این است که غسل را از سر بگیرد و پس از آن وضو بگیرد. بعضی مراجع غسل های واجب و مستحبی را مانند غسل جمعه (استحباب آن ثابت شده) کافی می دانند. (چنین غسلی اگر غسل جنابت باشد مانند سایر غسلها کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی کند.

۲- کسی که غسلهای متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه ی او باشد، اگر به نیت همه ی آنها یک غسل به جا آورد کافی است، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه ی غسلها هم کفایت می کند، اگر چه احتیاط (مستحب) این است که همه ی آنها را نیت نماید.

۳- غیر از غسل جنابت، سایر غسلها کفایت از وضو نمی کند.

۴- کسی که بعد از غسل، یقین به باطل بودن آن پیدا کند بایستی قضای همه ی نمازهایی که با آن غسل خوانده است را به جا آورد.

کارهایی که بر جنب حرام است :

۱- مس خط قرآن و اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی و همچنین به احتیاط واجب نامهای انبیای عظام و ائمه ی معصومین (ع)

۲- ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی (ص)، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

۳- توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در وارد و از در دیگر خارج شود مانع ندارد.

۴- گذاشتن چیزی در مسجد.

۵- فقط خواندن آیات سجده از سوره هایی که سجده ی واجب دارند (خواندن سایر آیات از این سوره ها اشکال ندارد).

نکات قابل توجه :

حرم امامان معصوم(ع) بنا بر احتیاط حکم مسجد را دارد.

ورود جنب به داخل حرم امام زادگان(ع) اشکالی ندارد.

تکیه ها و حسینیه ها حکم مسجد را ندارند.

تیمم

الف) کیفیت تیمم :

۱- نیت کردن.

۲- زدن کف دو دست بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

۳- کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی.

۴- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

۵- و بنا بر احتیاط واجب زدن بار دیگر دستها به زمین و سپس کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست و کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

نکات قابل توجه

- ترتیب فوق در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.

۱- اگر قسمتی از پیشانی یا پشت دست را حتی اندکی از آن را مسح نکند تیمم باطل است، چه عمداً یا از روی جهل به مسأله یا فراموشی باشد، البته دقت زیاد هم لازم نیست و همین اندازه که بگویند همه ی پیشانی و پشت دست ها مسح شده کافی است.

- برای این که یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده باید اندکی بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

ب) چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است :

تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود، مانند خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاکهای به هم چسبیده)، سنگ (سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ سیاه و مانند آن) صحیح است و همچنین بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها.

نکات قابل توجه :

تیمم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی شود، مانند طلا و نقره و امثال آن صحیح نیست، ولی تیمم بر سنگهای مرغوبی که عرفاً به آن سنگ معدنی گفته می شود، مانند مرمر و غیره صحیح است.

ج) مواردی که باید به جای وضو و غسل تیمم کرد:

۱- هنگامی که تهیه ی آب ممکن نباشد یا به این خاطر که آب وجود ندارد و یا این که آب هست، ولی مکلف به آن دسترسی ندارد، مثل این که آب در چاه است و او وسیله ی کشیدن آن از چاه را ندارد.

۲- هنگامی که آب برای سلامتی او مضر باشد.

۳- هنگامی که می ترسد اگر آب را مصرف کند، خود یا کسانش یا کسی که حفظ جانش بر او لازم است در تشنگی بمانند.

۴- هنگامی که بخواهد با آبی که در اختیار دارد بدن یا لباس خود را برای نماز تطهیر کند.

۵- هنگامی که استعمال آب یا ظرف آن بر او حرام باشد، مثل این که غصبی باشد.

۶- هنگامی که وقت نماز تنگ باشد و وضو و غسل موجب شود که همه ی نماز یا قسمتی از آن در خارج وقت واقع شود.

نکات قابل توجه :

- فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا تکلیف خیلی دشواری است، باید به جای آن تیمم کند و چنانچه وضو بگیرد یا غسل نماید صحیح نیست.

- فردی که به اعتقاد این که وضو یا غسل برایش ضرر دارد (مثلاً مریض می شود) تیمم کند اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است، ولی اگر پیش از آنکه با این تیمم نماز بخواند بفهمد که ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از آن که با این تیمم نماز

خواند فهمید که آب ضرر نداشته است بنا بر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را به جا آورد.

- صرف مشقت یا عیب شمرده شدن غسل جوانان در نیمه شب، عذر شرعی محسوب نمی شود، بلکه مادامی که غسل، حرجی و موجب ضرر برای مکلف نشود، در هر زمانی که امکان دارد واجب است انجام شود و در صورت حرج (مشقت شدید و فوق العاده) یا ضرر باید تیمم کند.

- هرگاه فردی جنب شود و وقت به مقداری که بتواند بدن و لباسش را تطهیر کند، و یا لباس خود را عوض نماید نداشته باشد و به علت سردی هوا و مانند آن نتواند نماز خود را برهنه هم بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی (کافی) است و قضای آن بر او واجب نیست.

اگر کسی در تنگی وقت، خوف آن را داشته باشد که در صورت غسل کردن یا وضو گرفتن، همه یا قسمتی از نمازش در خارج وقت واقع شود باید تیمم کند و نماز بخواند.

د) تیمم جبیره ای

کسی که وظیفه اش تیمم است اگر محلی که باید بر روی آن مسح کند یا دستش که باید با آن مسح کند، به واسطه ی زخم و امثال آن بسته باشد، به همان ترتیب تیمم می کند یعنی محل زخم بندی شده را به جای پوست بدن قرار می دهد.

ه) شرایط تیمم

۱- شرایط چیزی که بر آن تیمم می کند:

- پاک باشد

- مباح باشد (غصبی نباشد)

۲- شرایط اعضای تیمم:

- مانعی در آنها نباشد. در اعضای تیمم ناپستی مانعی باشد، بنابراین برای تیمم باید انگشتر و مانند آن را از دست بیرون آورد، و اگر به پیشانی یا دیگر اعضای تیمم چیزی چسبیده یا چیزی آن را پوشانیده است قبلاً باید آن را بر طرف کند.

۳- شرایط کیفیت تیمم:

- پیشانی و دستها را از بالا به پایین مسح کند.

- ترتیب را رعایت کند (ترتیب)

- کارهای تیمم را پشت سر هم به جا آورد (موالات)

- کارهای تیمم را خودش در حال اختیار انجام دهد (مباشرت)

موارد قابل توجه :

- مویی که بر روی دست یا پیشانی روئیده است مانع تیمم نیست، ولی اگر موی سر روی

پیشانی ریخته باشد باید آن را عقب بزند.

- اگر به خاطر زخم و امثال آن، اعضای تیمم را بسته است، در صورتی که باز کردن آن

ضرر داشته یا دشوار باشد، باید با دست بسته یا بر روی عضو بسته، مسح کند.

احکام متفرقه تیمم :

۱- اگر چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است پیدا نشود باید به گرد و غباری که بر روی

فرش و لباس و امثال آن نشسته است تیمم کند، و اگر آن نیز پیدا نشود ولی گل تر در

دسترس باشد باید به آن تیمم کند، و در صورتی که به هیچیک از اینها دسترسی نباشد -

مانند کسی که در هواپیما و امثال آن است- بنا بر احتیاط (واجب) باید نماز را در وقت بدون

وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

۲- کسی که وظیفه اش تیمم است، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند پیش از وقت نماز،

برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کارهای واجب یا مستحبی قبل از وقت نماز تیمم

کرده باشد و تا وقت نماز عذر او باقی بماند، می تواند با همان تیمم نماز بخواند.

۳- کسی که می داند عذر او تا آخر وقت بر طرف می شود نمی تواند در اول وقت با

تیمم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از تمکن (امکان یافتن)، با وضو یا غسل،

نماز به جا آورد.

۴- اگر به واسطه ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از بر طرف شدن عذر،

تیمم باطل می شود.

۵- چیزهایی که وضو را باطل می کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهایی

که غسل را باطل می کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می سازد.

۶- همه ی آثار شرعی غسل، بر تیمم بدل از غسل نیز مترتب و جاری می شود مگر این

که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد، بنابراین با تیمم بدل از غسل جنابت،

داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مس نوشته قرآن کریم و بقیه اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است اشکال ندارد.

نماز

نماز مهم ترین اعمال دینی و رکن و اساس و ستون دین است و در روایات است که در روز قیامت اول به بررسی نماز انسان می پردازند، اگر مورد قبول واقع شد، سایر عبادات هم در صورت واجدالشرایط قبول بودن (پذیرفته می شود و اگر نماز انسان در بارگاه خداوند مقبول واقع نشود، سایر عبادات هم رد می شود. نماز بهترین اعمال نزد خداوند و آخرین وصیت تمامی پیامبران بوده است.

نماز مهمترین عبادت است و اگر درست و با توجه انجام گیرد، روح انسان را پاکیزه و دل او را نورانی می سازد و او را بر رها کردن خلیقات ناپسند، قادر می گرداند یعنی می تواند فرد و جامعه ی انسانی را به تدریج از همه ی آلودگی ها پاک کند. سزاوار است که نماز در اول وقت، با حضور قلب و به دور از رنگ و ریا گزارده شود، و نماز گزار در هر کلمه ی آن به یاد داشته باشد که با خدا سخن می گوید و بداند که چه می گوید.

اقسام نمازها :

الف) نمازهای واجب:

- نمازهای یومیه

- نماز طواف خانه خدا که پس از طواف خانه کعبه گزارده می شود.

- نماز آیات که در هنگام پدید آمدن خورشید و ماه گرفتگی و زلزله و امثال آنها خوانده می شود.

- نماز میت که بر مرده خوانده می شود.

- نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است.

- نمازی که به واسطه ی نذر و عهد و قسم یا به واسطه اجاره واجب شده است.

ب) نمازهای مستحب، مثل نماز زیارت و نافله های شبانه روزی.

- با هر یک از نمازهای پنجگانه ی شبانه روزی یک نماز مستحبی هست که آن را نافله ی آن نماز گویند. خواندن این نافله ها بسیار مهم است و ثواب و اجر زیاد برای آن ذکر شده است. علاوه بر اینها مستحب است در ثلث آخر شب، نافله ی شب بخواند. این نماز هم دارای خواص معنوی بسیار است و شایسته است بر آن مواظبت شود.

توجه

نافله ها را باید دو رکعت دو رکعت خواند، مگر نماز وتر را که یک رکعت است، بنابراین خواندن نماز شب به صورت دو نماز چهار رکعتی و یک دو رکعتی و یک نماز وتر صحیح نیست. نافله ها را می تواند نشست بخواند، ولی ایستاده بهتر است. در سفر، نافله های ظهر و عصر و عشا ساقط است و نباید خوانده شود. هر یک از نافله های شبانه روزی، دارای وقت معینی است که در رساله های توضیح المسائل ذکر شده است.

شرایط مکان نمازگزار :

- ۱- مباح باشد. (یعنی غصبی نباشد)
- ۲- بی حرکت باشد.
- ۳- از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است.
- ۴- جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نباشد.
- ۵- محل سجده ی نمازگزار پاک باشد.
- ۶- موجب نجاست لباس و بدن نمازگزار نشود.
- ۷- میان زن و مرد در حال نماز بنا بر احتیاط واجب حداقل یک-و-جوب فاصله باشد.
- ۸- مسطح باشد.

توجه :

- بر مسافرانی که با اتوبوس های بین شهری سفر می کنند واجب است که در صورت خوف از فوت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت درخواست آنان واجب است، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت، تکلیف مسافران اگر خوف فوت وقت داشته باشند، این است که نماز را در اتوبوس در همان حال حرکت بخوانند و تا آنجا که امکان دارد جهت قبله، قیام، رکوع و سجود را رعایت کنند.

اوقات نمازهای یومیه

- ۱- وقت نماز صبح : از هنگام طلوع فجر تا طلوع آفتاب است.
- مقتضی است که مؤمنین محترم جهت رعایت احتیاط در مورد وقت نماز صبح، حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان صبح از رسانه ها شروع به ادای فریضه ی صبح نمایند.
- ۲- وقت نماز ظهر : از اول ظهر (یعنی هنگامی که سایه ی هر چیزی پس از آن که بر اثر

بالا آمدن آفتاب کاملاً کوتاه شد مجدداً به طرف مشرق شروع به زیاد شدن کند) است تا هنگامی که فقط به قدر نماز عصر تا غروب آفتاب وقت باقی مانده است.

۳- وقت نماز عصر: از هنگامی است که به قدر خواندن نماز ظهر، از ظهر گذشته تا غروب آفتاب.

۴- وقت نماز مغرب: از هنگامی است که سرخی بعد از غروب آفتاب که از طرف مشرق بالا می آید زائل شود تا هنگامی که فقط به قدر نماز عشا تا نیمه شب شرعی مانده است. (محاسبه نیمه شب شرعی: از اذان مغرب تا طلوع فجر هر شب، نصف آن نیمه شب شرعی است).

۵- وقت نماز عشا: از هنگامی است که به قدر خواندن نماز مغرب از اول وقت گذشته است تا نیمه شب.

توجه:

اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در داخل وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است. کسی که به اندازه ی خواندن یک رکعت از نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند، ولی نباید عمداً نماز را تا آن وقت به تأخیر بیندازد، و در صورت شک در این که وقت، لااقل به مقدار یک رکعت باقی است یا خیر، باید نماز را به قصد ما فی الذمه به جا آورد.

چگونگی شرکت در نماز جماعت

- چنانچه نماز هر چند مختصر و با تأخیر به جماعت خوانده شود، به مراتب بیشتر از نمازی که به تنهایی، هر چند طولانی و در اول وقت خوانده شود ثواب و ارزش دارد. برای شرکت در نماز جماعت به شیوه ذیل عمل میکنیم:

- وارد صف میشویم و در جایی میایستیم که بین ما و صف جلو یا کسی که طرف راست و چپ ما ایستاده است بیشتر از یک گام فاصله نباشد.

- بعد از نیت با گفتن تکبیره الاحرام (الله اکبر) وارد نماز میشویم.

- بعد از تکبیره الاحرام ساکت می ایستیم تا امام جماعت حمد و سوره را بخواند. در نماز

جماعت، قرائت به عهده امام جماعت است و ما در رکعت اول و دوم، حمد و سوره را نمیخوانیم.

- هم زمان با امام جماعت، به رکوع و سجده می‌رویم و قنوت و تشهد را انجام می‌دهیم و همه اذکار رکوع و سجده و تسبیحات اربعه و تشهد و سلام را همراه امام جماعت می‌خوانیم و از کارهای او پیروی میکنیم.
- در هر رکعت اگر خواستیم اقتدا کنیم، باید توجه داشته باشیم که معمولاً در دو حالت میتوان به نماز جماعت پیوست:

الف- وقتی امام جماعت مشغول قرائت حمد و سوره یا قنوت باشد.

ب- وقتی که امام جماعت در رکوع است (و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسیم یک رکعت به حساب می‌آید) یعنی مثلاً اگر به رکوع رکعت سوم نماز جماعت برسیم و اقتدا کنیم رکعت اول ما محسوب میشود.

مبطلات نماز

از آغاز تا پایان نماز باید از کارهایی که نماز را باطل می‌ند بپرهیزیم
از جمله:

خوردن و آشامیدن -

روی از قبله برگردانیدن -

سخن گفتن -

خندیدن -

گریه کردن (برای امور دنیوی)-

-کم و زیاد شدن واجبات نماز از روی عمد

کم و زیاد شدن ارکان نماز از روی عمد یا فراموشی -

روزه

انسان در مسیر عادی زندگی، قدر نعمت‌هایی که خداوند به او ارزانی داشته، نمی‌داند. تا تشنه نشود قدر آب را و تا گرسنه نشود قدر نان را نمی‌داند، و از سوی دیگر به درد گرسنگان و تشنگان نمی‌رسد. از این رو خداوند در طول سال یک ماه روزه را بر مسلمانان

واجب کرده است تا قدر نعمت های خدا را بداند و با درد گرسنگان آشنا شود و به فکر یاری آن ها بیفتد. روزه، اردوی ترتیبی و ماه رمضان اردوگاه پرورش روح و تقویت ایمان مسلمانان است.

مختصری از احکام روزه :

-روزه مانند نماز به نیت احتیاج دارد و بهتر است که در شب اول ماه رمضان نیت کنیم که می-خواهیم هر روز ماه رمضان را به دستور خدا و به خاطر خدا روزه بگیریم.
-روزه آن است که انسان از اذان صبح تا اذان مغرب برای اطاعت از فرمان خدا، از برخی کارها خودداری کند.

مبطلات روزه :

الف- نباید چیزی بخورد یا بیاشامد، هر چند که مقدارش کم باشد، اما اگر کسی به اشتباه و بدون توجه، چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود. (فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی-کند).
ب- دوع بستن به خدا و پیامبر (ص) و امامان علیهم السلام، انجام عمل زناشویی . استمنا (کاری که موجب خروج منی می شود).
ج- روزه دار نباید سر را زیر آب ببرد، ولی رفتن به زیر دوش اشکالی ندارد.
د-یکی دیگر از کارهایی که روزه را باطل می-کند، رساندن غبار غلیظ به گلو و حلق است، پس در حال روزه، نباید به فضایی که دارای دود و غبار غلیظ است وارد شویم.

نکات قابل توجه:

-استفاده از بوی خوش و عطر در حال روزه اشکالی ندارد، ولی بوییدن گل ها و گیاهان معطر، مکروه است.
-درس خواندن و امتحان داشتن و ضعف، نباید دختر و پسر مسلمان را از روزه باز دارد.
-خداوند مهربان به مسافران اجازه داده است که در زمان مسافرت روزه نگیرند، ولی باید بعد از ماه رمضان به تعداد روزهایی که مسافر بوده اند روزه بگیرد.
اگر کسی به خاطر بیماری موفق به روزه در ماه رمضان نشود، باید بعد از ماه رمضان و پس از بهبودی به تعداد روزهایی که مسافر بوده است روزه بگیرد، که به آن روزه، روزه

قضا گفته میشود.

برخی از محرمات (کارهای حرام)

محرمات یعنی آنچه که انجام آن حرام است و هر مکلفی موظف به ترک آن می‌باشد و ارتکاب آن موجب عذاب و عقاب پروردگار است. اگرچه بعضی از محرمات الهی، بسیار معروف و بر همگان معلوم است، ولی ذکر فهرست گونه‌ای از آنها خالی از فایده نیست.

- شرک به خدا

شرک ورزیدن به خداوند متعال و شریک قائل شدن برای او، از گناهان بسیار بزرگ و حرام است. خدا در قرآن مجید به حرمت آن اشاره کرده و می‌فرماید: خداوند تمام گناهان را می‌آموزد، ولی شرک ورزیدن به خود را هرگز مورد عفو و بخشش قرار نمی‌دهد و شرک، (اثم) گناه بزرگی است و جایگاه مشرک در آتش جهنم خواهد بود. در این زمینه روایات بسیاری نیز وجود دارد که در این مورد می‌توان به کتابهایی مانند وسائل الشیعه و کتاب الاجتهاد رجوع کرد. اهانت به مقدسات و به شوخی گرفتن و دست انداختن آن احترام به شعائر و حفظ حرمت مقدسات و مکانهای مقدس، حرمه‌ها، مساجد، قرآن و... از واجبات و امور مهم است و در مقابل بی‌احترامی حرام.

- ناامیدی

هر انسانی در طول زندگی خود کم‌ و بیش مرتکب گناهایی می‌شود که بعضی از آنها حالت یأس و ناامیدی در روح او ایجاد می‌نماید و در نتیجه، این تفکر در انسان تقویت می‌شود که با این همه گناه و معصیت که انجام داده‌ام، هرگز مورد لطف و عفو خدا قرار نمیگیرم. خداوند بسیار مهربان تر، کریم‌تر از آن است که در تصور آید و از همین جهت است که هر گناهی از بندگان سر بزند را مورد مغفرت و بخشش قرار می‌دهد؛ مشروط بر این که توبه با شرایط مخصوص و آداب خاص آن تحقق پذیرد.

- آدم‌کشی و خودکشی

به قتل رساندن یک مؤمن حرام است و گناه بسیار بزرگی است و عذاب و دوزخ و خشم الهی را در بردارد. قرآن مجید در آیه‌ای، پنج تهدید را متوجه قاتل کرده است: جهنم، همیشگی

بودن در آن، غضب خداوند، لعنت خداوند، عذاب بزرگ، و در آیه-ای دیگر انتحار و خودکشی را نیز حرام نموده و از آن نهی کرده است و عذاب الهی را جزای آن دانسته است که البته در این هر دو موضوع، احادیث و روایات بسیاری نیز نقل شده است. و در این رابطه آیات و روایات متعددی وارد شده است. (آیه ۳۲ سوره مائده و آیه ۲۹ سوره نساء)

-ربا و نزول

یکی دیگر از محرمات که ارتکاب آن عذاب شدیدی را در پی دارد، ربا و ربا خواری می باشد. ربا یعنی چیزی را به عنوان قرض دادن و چند برابر باز پس گرفتن است، قرآن عذاب رباخواری را برابر با عذاب کافران دانسته و شدیداً از آن نهی کرده است. البته مضرات اجتماعی ربا و عواقب وخیمی که برای روابط انسان ها و پیامدهای اقتصادی بسیاری که دارد غیرقابل اغماض و انکار است. (آیات ۲۷۸ و ۲۸۰ سوره بقره)

-نگاه به نامحرم

یکی دیگر از محرمات، نگاه کردن زن و مرد به بیگانه است. یعنی دختر یا زنی به مرد نامحرم، و پسر یا مردی به زن نامحرم نگاه کند. در قرآن مجید از نگاه شهوت-آمیز زن و مرد به یکدیگر نهی شده است؛ و امام صادق(ع) آن نگاه را تیر زهرآلود شیطان بر جان و روان و قلب انسان نامیده است که موجب حسرت طولانی می باشد.

در روایتی که از امام باقر(ع) نقل شده نگاه به نامحرم با عنوان زناى چشم نامیده شده است. کسی که به نامحرم نگاه کند در قیامت چشمانش را پر از آتش میکنند.

عواقب نگاه به نامحرم و آثاری که بر دل می-گذارد، بر کسی پوشیده نیست و به قول باباطاهر: چه بسا زناهایی که از یک نگاه شروع می شود و چه انحرافاتى که از همین نگاه به وجود می آید. و نیز گفتن سخنان غیر ضروری بین زن و مرد نامحرم، حرام و دارای عقاب و عذاب میشود و خطر انحرافات جنسی و اخلاقی در آن به وجود می آید.

- قذف

یعنی نسبت زنا یا لواط به زن یا مرد مسلمان پاکدامن دادن. این کار نیز حرام و موجب عذاب و عقاب در آخرت و حد شرعی در دنیا میباشد، و شخص قذف کننده، پیوسته در لعنت و غضب پروردگار خواهد بود و در دنیا و آخرت گرفتار اقسام عذاب ها می-شود.

- شراب خواری

نوشیدن تمام مایعاتی که مست-کننده باشد حرام است و از گناهان کبیره است و نوشیدن آنها موجب حد در دنیا و عذاب در آخرت است. مشروبات الکلی دارای آثار زیادی بر روی اعضای بدن انسان مثل عقل و فکر، معده و روده، جگر و شش، سلسله اعصاب و شریان ها، و قلب و حواس میباشد و اطباء و پزشکان جدید و قدیم، درباره مضرات بهداشتی آن بحثها کرده و کتابها نوشته‌اند. نوشیدن مایعات مست کننده موجب بدخلقی و بدزبانی می-شود و ایجاد حالت روحی در انسان مینماید که او را به خونریزی، افشاء اسرار، هتک حرمت ها و پشت پا زدن به تمامی قوانین شرعی و اجتماعی وادار می کند.

امام باقر(ع) فرمود: بزرگ ترین گناه و مادر تمامی گناهان، شراب خواری است. و امام صادق(ع) آن را با بت پرستی مساوی دانسته و فرموده‌اند که شراب خوار در قیامت با کافران محشور میشود. این ها همه بدان جهت است که کسی که شراب بنوشد، عقلش زائل میشود و به تمامی گناهان و معاصی و گناهان دیگر نیز روی می آورد. البته در حرمت شرابخواری فرقی بین کم و زیاد یا خالص و مخلوط آن با چیز دیگر نمی باشد، و حتی یک قطره آن هم حرام است.

- قمار

قمار کردن نیز از محرمات است و گناهی بزرگ است و عذاب شدیدی دارد. بازی کردن با آلات قمار مطلقاً و یا با هر چیز دیگری که برنده و بازنده دارد و بردن پول یا چیز دیگر در آن باشد حرام است. قمار بازی کردن و شراب-خواری وسیله‌های شیطانی است و شیطان بدان-وسيله بين مردم، دشمنی و عداوت و کینه ایجاد میکند. قماربازی انسان را از خدا دور می-کند، و معیارهای انسانی و اخلاقی را از او میگیرد و او را به انسانی هرزه، بی-عاطفه، ظالم و درنده تبدیل مینماید. بالاخره فقط قماربازی و شرابخواری است که در قرآن از آنها با نام گناه کبیره یاد شده، که این امر حاکی از مضرات بسیار آنها میباشد.

- غناء

آوازه-خوانی، غناء و موسیقی، حرام است. غناء و موسیقی حرام، آن موسیقی و صداهایی است که مخصوص مجالس لهو و لعب و محفل اهل معصیت و طرب-آور باشد. غناء از گناهان بسیار بزرگ و انسان را از یاد خدا غافل میکند و نفاق را در قلب می-رویانند و موجب فقر

میشود.

مجلس غناء محل غضب خدا و به دور از رحمت خداوند است. موسیقی و غناء حرام، بر اعصاب انسان آثار ویرانگری دارد و آرامش درونی را سلب میکنند.

- دروغ

دروغ گفتن حرام و گناه است و عواقب سخت دنیوی و اخروی بر آن مترتب می باشد. امام حسن عسکری (ع) فرمود: تمام بدی‌ها در اتاقی است و کلید قفل آن اتاق، دروغ است. در قرآن مجید آیات متعددی در مذمت و نهی از دروغ و سخن غیر واقع گفتن وجود دارد. (سوره بقره آیه ۱۰)

دروغ، فسق است و قرآن ترتیب اثر دادن بر سخن و خبر فاسق را نهی کرده است. از آنچه که در اخبار و روایات و آیات استفاده می‌شود، دروغ، گناه است و از شراب‌خواری بدتر و علامت نفاق است و دروغگو ایمان ندارد، ملعون و روسیاه است و در قیامت چنان بوی بدی از دهان او خارج می‌شود که ملائکه هم از او فرار می کنند. در طرف مقابل آن صدق و راستگویی است که نجات، سعادت، عزت و خوشبختی دنیا و آخرت در سایه آن به دست می آید.

- سوگند دروغ

اگر دروغ گفتن چنان که گذشت حرام است و از گناهان بسیار بزرگ، پس قسم دروغ، گناهش به مراتب بیش از آن می‌باشد. قرآن مجید سوگند دروغ را عامل عذاب سخت و دردناک خداوند می داند و امام صادق (ع) آن را جنگ با خدا و فاسدکننده ایمان می‌نامند. همچنین امام صادق (ع) آن را باعث خرابی آبادانی‌ها و انقطاع نسل می‌خواند. سوگند دروغ موجب فقر می‌شود و عرش الهی را به لرزه می‌اندازد و اثر سوء یک سوگند دروغ تا چهل روز بر صاحبش باقی خواهد بود.

- گواهی دروغ

شهادت دادن به دروغ نیز حرام است و عقاب دارد. یعنی این که انسان بر امری که نمی داند یا خلاف آن را میدانند گواهی دروغ دهد. قرآن مجید شهادت دروغ را تحت عنوان شهادت زور آورده و از آن نهی نموده و رسول خدا (ص) آن را همپایه شرک و مساوی با بت پرستی دانسته است و امام باقر (ع) می فرماید که خداوند آتش جهنم را بر گواهی دروغ قرار می‌دهد.

-خیانت در امانت

کسی که در امانتی خیانت کند، عذاب الهی بر او واجب می‌شود؛ زیرا خیانت در امانت، حرام و از گناهان کبیره است. ایات متعددی در قرآن مجید وجود دارد که از خیانت در امانت، به صورتی شدید نهی کرده و دستور اکید داده که امانتداری پیشه مؤمنین باشد. در روایات اسلامی نیز خیانت در امانت موجب فقر و تهیدستی و نکبت است و امانتداری موجب ثروتمند شدن و قوت ایمان دانسته شده است. در روایاتی آمده که حتی نسبت به کافران، ملحدان و دشمنان نیز امانتدار باشید.

-اسراف

اسراف حرام است و قرآن مجید صریحاً از آن نهی کرده است و اسراف کنندگان را دشمنان خدا و برادران شیطان نامیده است. اسراف به معنای زیاده روی در خوراک، لباس و ساختمان و... می‌باشد. روایت است که اسراف موجب فقر و تنگدستی شده و دعای چنین شخصی مستجاب نمی‌شود.

البته اسراف به حسب افراد، مختلف است و هر کس بر طبق شرایط خودش باید از اسراف پرهیز نماید. اما به طور خلاصه می‌توان گفت آنچه از صورت ضرورت و نیاز خارج شود و جنبه تشریفات، خودنمایی و تفاخر پیدا کند، اسراف و حرام است. اسراف صورت‌های مختلفی دارد، آب ریختن بیش از نیاز، مصرف کردن برق بیش از اندازه، تهیه خوردنی و آشامیدنی بیشتر از مقدار حاجت، فراهم آوردن لباس و خانه بیش از نیاز و... همه از مصادیق اسراف است.

بیشتر سختی‌های زندگی از نتایج اسرافکاری‌ها می‌باشد. اسراف وضع اخلاقی و اقتصادی فرد و جامعه را دگرگون ساخته و موجب فقر و ورشکستگی و پریشانی شده، خوشبختی و راحتی جان و روان انسان را سلب می‌نماید و قناعت و میانه روی، اثری روشن در عکس این امور دارد و فضای جامعه را نگاه می‌دارد، فقر و تهیدستی را از بین می‌برد، از وابستگی مسلمین به اجانب می‌کاهد و آرامش درونی برای انسان به ارمغان می‌آورد.

-غیبت

غیبت یعنی یاد کردن از دیگران در غیاب آنها به گونه‌ای که از شنیدن آن ناراحت می‌شود و یا افشاء رازهای پنهان یک مؤمن در حضور دیگران. غیبت از محرمات بزرگ و از گناهان کبیره است و دارای عذاب و عقابی شدید در آخرت و عواقبی سخت و دشوار در دنیا می‌باشد

و صریحاً و شدیداً مورد نهی قرآن مجید قرار گرفته است. غیبت چون باعث ریختن آبروی مؤمن می شود از بالاترین خیانت ها به حساب می آید. خداوند حسنات غیبت کننده را در نامه اعمال غیبت شونده قرار میدهد و در قیامت شخصی که غیبت دیگران را می کرده نامه عملش را تهی از کارهای خیری که انجام داده می یابد و حسرت و پشیمانی شدیدی متوجه او می گردد. شنیدن غیبت هم مثل غیبت -کردن حرام است و دارای عذاب و عقاب سختی میباشد. پس بر مؤمنین لازم است ابتدا از غیبت کردن دیگران بپرهیزند و ثانیاً در جایی که غیبت مؤمنی می شود حاضر نشوند و یا اگر حاضر هستند از غیبت و سخن گفتن درباره دیگران جلوگیری نمایند. در روایت است که مؤمنین در غیاب، به یاری یکدیگر برخیزند و از غیبت و بدگویی و افشاء رازهای مؤمنین جلوگیری نمایند.

-تهمت

تهمت زدن به مؤمنین نیز حرام است و ارتکاب آن عقاب شدیدی در پی دارد. فرق غیبت و تهمت آن است که غیبت بیان چیزی است که حقیقت دارد، ولی صاحبش راضی به افشاء و بیان آن نمی باشد، اما تهمت بیان امری است که حقیقت ندارد.

-سخن چینی

سخن چینی موجب روشن شدن آتش فتنه و دشمنی در بین مردم می شود و حرام است و عذاب سخت اخروی را در پی دارد و به مراتب از قتل و کشتن دیگران شدیدتر و پر خطرتر است و روایات و اخبار، بر حرمت سخن چینی و حرام بودن بهشت بر چنین شخصی دلالت روشن دارد.

-اهانت به مؤمن

مؤمن در نزد خداوند مقام و منزلتی بس عظیم دارد و خداوند خود را حامی مؤمنین، یار و یاور و ناصر آنها می خواند و آنان را در ردیف خود و پیامبرش قرار می دهد و خود را مشتری جان های آنها نامیده است. آیات بسیاری در عظمت شأن و منزلت والای مؤمن در قرآن وجود دارد و روایات متعددی در این زمینه وارد شده است. لذا کوچک ترین اهانت به مؤمن را حرام و غیر جایز دانسته و بر آن عقاب و عذاب سخت و دردناک قرار داده است. اموری که آیات و روایات، ارتکاب آن را نسبت به مؤمنین غیرجایز و حرام برشمرده اند، عبارت است از:

- ۱- استهزاء و مسخره کردن مؤمن.
- ۲- ریختن آبروی مؤمن.
- ۳- دشنام و فحش به مؤمن دادن.
- ۴- طعنه زدن و خوار و سبک کردن به مؤمن .
- ۵- سرزنش کردن مؤمن.
- ۶- هر گونه اذیت و آزار نمودن مؤمن و اهانت و بی احترامی به او.

-نیرنگ

مکر، خدعه، نیرنگ و فریب دادن دیگران و پیمان شکنی حرام است و وعده آتش بر آن داده شده است. در روایات اسلامی خیانت به مردم و مکر و نیرنگ نسبت به آنها مورد نهی شدید قرار گرفته و وعده عذاب سختی بر آن داده شده است. مسلمان وارسته کسی است که هرگز نسبت به دیگران مکر و خدعه ننماید، کسی را فریب ندهد و پیمانی را که بسته نقض ننماید.

-بی احترامی به قرآن، کعبه و مسجد

-قرآن

قرآن، کتاب آسمانی مسلمین و در برگرنده کلمات نورانی خداوند متعال است و لذا در نزد مسلمین از عزیزترین و شریف ترین چیزهاست. از همین جهت است که کوچکترین اهانت و بی احترامی نسبت به آن حرام و دارای عقاب و عذاب می باشد. هر گفتاری و یا کرداری درباره قرآن مجید که در عرف به عنوان خوار کردن و سبک شمردن آن به حساب آید، حرام است و ارتکاب آن معصیتی بزرگ می باشد. نجس کردن قرآن، انکار حرمت آن، لگدمال کردن آن، و... همه از مصادیق بی احترامی و اهانت به قرآن مجید است. لذا نوشتن قرآن با مرکب نجس و دادن قرآن به دست کافر حرام است و گرفتن قرآن از دست کافر و پاک کردن قرآن نجس، واجب می باشد و گذاشتن دست بی وضو بر آیات نورانی قرآن نیز جایز نیست. دعاهای وارده از معصومین هم دارای احترام و عظمت خاصی می باشد و بی احترامی به آنها نیز جایز نیست.

-کعبه

بعد از قرآن مجید، هیچ چیز در عالم اسلام عزیزتر و شریف تر از کعبه معظمه نیست. امام صادق(ع) فرمود: سه چیز در حرمت و شرافت نزد خداوند اهمیت بسیاری دارد، اول قرآن مجید، دوم خانه خدا که قبله مردم است و سوم عترت پیامبر اکرم(ص).

مسجد

هر مکانی که به نام مسجد بناء شده باشد، رعایت حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن مانند خراب کردن و آلوده ساختن آن به نجاست، حرام و از گناهان کبیره است و این بدان جهت است که مساجد خانه‌های خداوند در روی زمین است.

منابع دیگر جهت مطالعه بیشتر :

-رساله توضیح المسائل

-رساله آموزشی تألیف آقای رضا قربانیان

-احکام دین(۳جلد) تألیف آقای محمدحسین فلاح زاده

-احکام بانوان تألیف آقای محمدحسین فلاح زاده